

دواثر نویافته از نثر صائب و سبک نثراو

از: دکتر مهدی درخشان

آوازهٔ شاعری صائب را بسیار شنیده‌ایم و میدانیم که او را در میان سخنوران معاصر خودنظیری نبوده‌است. (۱) اشعار شیرین و مضامین بلند بدیعی را که در قالب الفظی آراسته و فصیح بنظم آورده است غالب اهل ذوق کم و بیش دیده‌اند و نمونه‌هایی را از آن شاید که بیاد دارند.

عمده شهرت صائب بسبب داشتن سبک و شیوهٔ مخصوص اوست که در نزد سخنوران به "سبک صائب" مشهور است. و گروهی آنرا سبک هندی و بعضی سبک اصفهانی نیز خوانده‌اند. در این شیوه شاعر ما بیان مقصود را بیشتر با آوردن تمثیل و ایراد یکی از امثال سایر توأم ساخته است و چنان مطلب را لطیف و شیرین ادا کرده که سخن او خود در ردیف امثال سایر درآمده است.

و نیز با یادافزود روشی را که صائب در سخنوری برگزیده، یعنی روش تمثیل پیش از او هم بوده است ولی چون او را در این کار بیش از دیگران ابتکار بوده و بهتر از همه از عهده برآمده لاجرم این شیوه اختصاص بدو یافته و بنام او خوانده شده است.

قدرت خلاقه و مضمون آفرین صائب در ایجاد معانی تازه و ابداع مضامین دلپذیر در شعر نه چندانست که ما را نیازمند تعریف و توصیفی جداگانه سازد. بر سر آنکه پژوهندگان فاضل از این پیش مقالات بسیار در این باره نوشته و "سخن هرچه باید همه گفته‌اند" آنچه را که اکنون ما از آن سخن خواهیم گفت نثر صائب تبریزیست و هنرنمائیهای او در این فن و ذکر آثاری نویافته از منشآت او که تاکنون طبع و نشر نشده و بی‌بازار ادب عرضه نگردیده است. شایان تذکار است که پاره‌ای از نامه‌ها و مکتوبات صائب سالیانی از این پیش در برخی از جراید طبع شده و هم در خلال بعضی نوشته‌ها و مقالات گه‌گاه اشاراتی به نثر او شده‌است. ولی هیچگاه کسی به تفصیل در این باره سخن نگفته و شرحی ننوشته است. و بر روی هم بهیچوجه حق مطلب ادا نگردیده.

از جمله اشاراتی که دانشمندان و محققان کرده‌اند یکی عبارتست در چند کلمه

که مدرس خیابانی نوشته آنجا که شرح حال صائب را آورده است و می‌نویسد "وی بعضی نثرهای بلیغ و خطبه‌های دیوانی هم انشاء کرده است" (۲) بعد از آن مرحوم امیری فیروز کوهی ضمن مقدمه‌ای که بر دیوان صائب نوشته است می‌آورد: "صائب را آثار نثری فراوان هم بوده است از آن جمله است خطب بلیغ دیوانی و نثری در تمجید تنباکو و قلیان و تقاضای نرگس از یکی از دوستان و تقاضای رفع منع از شرابخواری از درگاه سلطان" و سپس دو مکتوب او را نیز درج کرده است.

دیگر شرحی است موجد ولی بسیار ارزنده که دانشمند حسین نخجوانی ضمن بیان مهارت صائب در نثر نویسی و توصیف آثار او آورده و دو نمونه از آثار او را که خود آنها را دیده است نقل کرده. رحمه‌الله‌علیه.

اینک عین عبارت او: "صائب همچنان که در غزل سرائی و شعرگوئی توانا و مقتدر بوده در نثر نویسی نیز بهمان اندازه قادر و ماهر بوده است و چنان تشبیهات و مضامین رنگین و الفاظ و عبارات دلنشین بکار برده که موجب حیرت هر خواننده است. متأسفانه اغلب آثار نثری او از میان رفته مگر معدودی که در بعضی سفینه‌ها و کتابهای خطی یافت می‌شود. اخیراً دو فقره از آثار نثری این سخنور نامی که در سنه ۱۰۷۹ نوشته شده بمطالعه نگارنده رسید که برای نمونه نقل می‌شود. . . ." (۳)

غیر از اینها در پاره‌ای از مقالات و ترجمه حالات صائب نیز مختصر اشارتی به نثر صائب و نامه‌های او شده است که بعضی ماخوذ و مقتبس از مطالب مذکور است. (۴)

ولی با استقصائی که در این زمینه بعمل آمدیقین من آنست که هیچیک از محققان را تاکنون دسترسی بتمام مکتوبات و منشآت و آثار منشور صائب حاصل نشده. و هنوز برخی از نامه‌ها و مکتوبات او از لابلای نسخه‌های خطی و سفینه‌ها بیرون نیامده و یا بدانها هرگز اشارتی نشده است. چنانکه در یکی از نسخه‌های خطی که در اواخر قرن یازدهم هجری نوشته شده است (۵) نامه‌هایی از وی بنظر این ضعیف رسید که از برخی تاکنون نامی بمیان نیامده و چنین پندارم که بروزگار ما از اهل ادب کسی بدین درهای مکنون دست نیافته باشد. همچنین در میان سایر نسخه‌های مخطوط و لابلای کتابها و کنج کتابخانه‌ها بی گمان آثار نفیس دیگری از این گونه نامه‌ها و مکتوبات وجود دارد که سزاوار است همه گردآوری و تصحیح شود و یکجا بزیور طبع آراسته گردد.

این نامه‌ها که هم نشانه‌ای از مراتب سخندانی و کمال مهارت صائب است در نوشتن نثر و هم نمونه‌ایست از نثرهای آراسته و ملیح دوران صفویه، هر چند مقدار آنها نسبت باشعار وی اندکی بیش نیست ولی باز هم مشت نمونه خروار و اندک نشانه بسیار است و

شاید بتوان از این مختصر کم و بیش اظهار نظری در باره سبک نثر صائب کرد. نثری که مانند نظم او جانفراس است و در عبارات هر نامه‌اش دریا دریا مضامین بدیع و لطافت و ذوق موج می‌زند. و اگر هر نامه و مکتوب او را قطعه‌ای از " شعر منثور " بخوانیم رواست، که همه جا باریکی‌اندیشه و تازگی معنی و نازکی خیال از مضامین آنها پیداست و در هر بند ترکیبات لطیف و تمثیلات ظریف و اصطلاحات دلکش در لباس الفاظی نغز و عباراتی شیوا بدیده می‌آید و گه‌گاه بعضی مضامین این نامه‌ها با بهترین اشعار دم از برابری و همسری می‌زند. اینک فهرست مجموعه نامه‌ها و مکتوبات صائب را که تاکنون بدست آمده است ضمن درج دو نامه‌از او در زیر می‌آورد و علاقه‌مندان به ملاحظه آثار و مکتوبات او را بشارت می‌دهد که تمام این نامه‌ها جداگانه طبع و بزودی منتشر خواهد شد. انشاءالله

این نامه‌ها نخست مکتوبیست از صائب که در وصف قلیان و تنباکو و روی آوردن بدان گفته است. از پس چندی شرابخواری و باده‌گساری و بدین بیت آغاز می‌شود:

شستم لب پیماله ز آب شراب تلخ کردم بدود تلخ قناعت ز آب تلخ
سپس در باب ترک میخوارگی خود و اکتفا کردن بشرب قلیان طی عباراتی لطیف چنین می‌آورد:

روزهاست که این سودا زده، دودمان آفرینش و این سیاه نامه قلمرو بینش گردن
اطاعت از خط جام و دامن رغبت از شرب مدام کشیده و سر در حلقه سلسله منسوبان تنباکو
در آورده، مینای می را بطلاق نسیان گذاشته و دیده، ساغر را از ننگ فراموشی انباشته ...
و بغلغل قلیان قناعت کرده. (۶)

دیگر انشائیست در باب غدغن شراب که هنگام صدور حکم منع شرب باده، گویا
از طرف شاه سلیمان صفوی صائب با کمال پریشانی نوشته و مصدر بدین بیت است: (۷)

زبان شکسته ترم از قلم نمیدانم که شرح آن بکدامین زبان کنم تقریر
سوم - مکتوبیست در کمال آراستگی که صائب بیکی از بزرگان نوشته و از وی طلب
نرگس و نرگسدان کرده است. در نسخه‌ای ناسخ این بیت را در آغاز آن آورده است:

ما طول و عرض و شرح و تمنا نداده‌ایم بر رقعهای توقع ما میتوان نوشت
ولی در نسخه، خطی معتبری که اساس کار ماست این بیت نیامده و مطلب باین
عبارت شروع می‌شود:

" همیشه نرگس بیدار مغز بخت نژاد، آن مردم دیده اعیان و چشم و چراغ دودمان
باریک بهینان از آفت عین الکمال و پژمردگی خواب در گلشن همیشه بهار آبروی منظور نظر
اولی الابصار و محسود کج نظران لیل و نهار باد ... "

چهارم - انشائست فکاهی ولی بسیار پرتنطنه و فخیم که بسطان عشق نوشته و از ماموران و عمال آن شکایت کرده است که در مملکت وجود فتنه و فساد و آشوب و انقلاب بر پا می‌کنند و عنوان و آغاز آن چنین است :

" عرضه داشت عجزه و مساکین دارالمتحیرین خیال بذروه عرش نواب علوی جناب ، قدس انقلاب ، نامدار کشور گشای مملکت پیرای ، سلطان اقلیم وجود ، اولی الامر غیب و شهود .

شه نظاره نسب خسرو کرشمه سپاه صفای سینه و شمع ضمیر و آتش آه یعنی داور فتنه نشان ابوالغالب عشق بهادر خان می‌رساند . . . "

پنجم - نامه ایست در طلب " حب " به یکی از دوستان که گذشته از لطف و فصاحت بصنعت حسن طلب و براءت استهلال و بعضی صنایع بدیعی نیز مزین است .

در آخر مکتوبیست که صائب به محبوب خویش نوشته و سند آن نیز مانند مکتوب فکاهی عاشقانه ، او که قبلاً ذکر شد در دست نیست .

در میان نامه های مذکور دو مکتوب نخستین اندکی مفصل تراست و از جهت اشتغال بر مضامین لطیف و ابداع معانی بدیع و ظریف از بهترین مکتوبات و منشآت صائب بشمار می‌رود و محتویات آنها از مضامین بکر و معانی بلند و عبارات فاخر و الفاظ نفی و لایق بسیار ترکیب شده و در سایر آثار منشور او نیز غالباً " معانی دقیق و مضامین دلپذیر توأم با فصاحت الفاظ و آراستگی عبارات و زیبایی ترکیبات ، همانند اشعارش نمایان است ، و گاه نیز پیچیدگیها و تشبیهات غریب و استعارات دور از ذهن که فکر خواننده را بخود مشغول می‌سازد در بعضی از مضامین آنها دیده می‌شود .

باملاحظه این مکتوبات و آثار دیگر نظیر آنها که از سایر بزرگان عهد صفویه بجای مانده است آنجا که برخی از فضلالی نامدار ، این عهد را " عهد انحطاط نشر فارسی " خوانده اند چنین پندارم ستمی برسختوران و نویسندگان این دوره رانده اند و شاید سخنی بگزاف و دور از حقیقت و انصاف گفته باشند .

این سخن را ترجمه پهنآوری گفته آید در زمان دیگری اینک دو نامه از آثار منتشر نشده صائب :

در طلب حب نوشته :

همیشه از کیفیت معنی گستری و نشاء سخنوری صاحب وقت و فرخناک باشید . حب حب شما نه . آنقدر تصرف در دل محبان کرده که بمفارقت چند روزه هوای آن از سر بدر رود . حب نیست بلکه خالیست از چهره شاهد معنی که در عالم کیفیت باین صورت

جلوه نموده. عجب دانه‌ایست که مرغان زیرک را فریفته حلقه دام خود کرده. غریب گوهریست که جوهریان دار العیار سخندانی را حلقه بگوش خود نموده. اگر محبوب القلوبش خوانم رواست و اگر بحبته القلبش منسوب دارم سزاست این نه دانه‌ایست که لاکمی مکنون در سلک آن توان آورد و این نه مظهریست که زبان بیان اظهار اسرار او تواند نمود. اگر بجواهر نسبت دهم چه کار ساخته باشم و اگر به قطره آب حیات تشبیه دهم چه هنر کرده باشم. لعل درکان مرده خواهش لقای او. و آب حیوان در ظلمات زنده نور جانفزای او. سبحان - الله چه عنایت است که در ماده این صورت واقع شده. روحی است مجسم. صورتیست سراسر معنی. اگر چه در ظاهر خرد است اما در باطن بزرگست. اسرار گردونه آسمان در تدویر آن مندرج و خفایای معراج عرفان در عروج نشاء آن مندمج. خاموش است لیکن بزبان اشراق متکلم است. ساکن است اما در طریق فکر سیار عالم بالاست. طریق مشائین طریق اوست. (فردیت) او کنایه‌ایست فرد از توحید. و عربانی او اشاره‌ایست در بیان تجرید خطا از فکر صائب دور. تمت.

نامه دیگریست که صائب به معشوق خود نوشته است:

بی روی تو ای چمن چمن باغ چشم شده آشیانه زاغ
 مد نگهم جدا از آن چشم مانند فتیله‌ایست بر زاغ
 ای عمرم و ای حیاتم والله که از جدایی شما جانم بلب رسیده. آنچه فراق شما بمن کرده می‌کند سنگ با آبگینه و خنجرها سینه، گلچین با بلبل، سموم با سنبل، فانوس با پروانه، نشتر بر زخم دریده، سوزن با مردم دیده، نمک با داغ، صرصر با چراغ، گردباد با غبار، شعله با خار، همچو ظلم نخواهد کرد. ای نهال رعنائی، و ای سرو باغ خود آرایی، از آتش فراق سوختی، این شیوه از که آموختی؟ با یکرنگان دورنگی داشتن و علم بی مروتی بر افراشتن رسمی است تازه.

پیداست دورنگی ز قماش سخن تو برگ گل رعناست زبان در دهن تو

گلزار از رنگ تو بصد رنگ بر آمدن آموخته و روزگار از طور تو این جور اندوخته.

اگر غنچه دهانی، چرادو صد زبانی و گرنه گل خندانی چون نافرمانی یا نور طوری که از دیده دوری؟ یا سرو قامتی که از آن رو قیامتی دلت جفا جو خویت ستمگر اگر نه ساده‌ام به چه دل داده‌ام؟

گل شوی بلبلم و سرو شوی فاختمام گر بصد رنگ بر آیی تو که یکرنگ توام

پایان

از سعدی تا جامی - شعر العجم اثر پرفسور شبلی نعمانی - تذکره نصرآبادی -
ریحانة الادب از مدرس خیابانی - صائب و سبک هندی - (مجموعه مقالات تحقیقی در
باره صائب بهمت ایرج افشار) - سبک شناسی ملک الشعراء بهار ج ۳ - سفینه خطی معینای
اردو بادی شاعر قرن یازدهم و دوازدهم مضبوط در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران بشماره
۷۰۷۲/۱ ص ۴۰ و ۴۱ - مقدمه دیوان صائب تبریزی بقلم امیری فیروزکوهی چاپ کتابفروشی
خیام - نشریه دانشکده ادبیات تبریز سال ۱۳۳۹ - مجله ادب ج ۴ شماره ۳ سال ۱۳۳۵
ص ۵۹ - ۶۰ .

۱- میرزا محمد علی صائب تبریزی از سخنوران نامی و شیعی مذهب قرن یازدهم
هجریست . در حدود سال ۱۰۱۶ هـ. در اصفهان متولد شد . در جوانی سفری به هندوستان
کرد و بیش از ده سال مقیم آن سرزمین بود . تا بسال ۱۰۴۲ بایران بازگشت و ملک الشعرای
دربار شاه عباس ثانی پادشاه صفویه گردید . سرانجام بسال ۱۰۸۶ هجری در اصفهان وفات
یافت و در همان شهر مدفون گردید . اشعارش بنا بنقل صاحب تذکره نصرآبادی بیکصد و
بسیست هزار بیت برآمده است .

۲- ریحانه الادب ج ۲ ص ۴۱۰ - از این خطبه‌های دیوانی که او و دیگران بدانها
اشاره کرده اند تا کنون هیچ اثری بدست نیامده است . بامید آنکه روزی نمونه‌های آن پیدا
و منتشر گردد .

۳- آن مرحوم سپس دو نمونه از نثرهای صائب را نقل کرده که در جای خود بدانها
اشاره خواهد شد لیکن چنین مینماید که نسخه‌ای را که وی بدان دسترسی داشته و دو مکتوب
را از روی آن نقل کرده بجز نسخه‌ایست که بنظر نگارنده رسیده است . و هم بدین سبب
میان آنچه او نقل کرده با ضبط نسخه ما اندک اختلافی دیده میشود و این خود موجب
خرسندیست که نسخه‌نامه‌ها منحصر بفرد نیست و میتوان در تصحیح آنها از تعدد نسخه‌ها
یاری جست .

۴- رجوع شود بمجموع مقالات تحقیقی در باره صائب ص ۴۴ و فرهنگ معین
شرح حال صائب .

۵- سفینه معینای اردو بادی شاعر قرن یازدهم و دوازدهم هجری مضبوط در
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران .

۶- شطری از این نامه‌ها در مقدمه دیوان صائب آمده است .

۷- تمام این نامه نیز در مقدمه دیوان صائب درجست . همچنین سالها از این پیش در یکی از جراید افغانستان با غلطهای بسیار نقل شده . ولی نسخه‌ای که در دسترس ماست از هر جهت کاملتر و بی غلط تر است .

۸- این مکتوب یکی از دو نامه‌ایست که مرحوم نخجوانی آنرا از روی سفینه‌ای کهن نقل کرده . این سفینه که بنا باظهار ناقل آن بسال ۱۰۷۹ یعنی در زمان حیات صائب نوشته شده اصل آن اکنون معلوم نیست که در کجاست .

۹- این نامه را مرحوم فیروزکوهی در حدود ۲۰ سال پیش از روی سفینه‌ای استنساخ کرده بود و ماخذ آنرا بخاطر نداشت .

۱۰- رجوع فرمایند به مجله آینده سال یازدهم شماره ۴ و ۵ سال ۱۳۶۴ ص ۲۸۰ و ذیل آن صفحه و مقاله " آثار منشور صائب تبریزی " مندرج در روزنامه کیهان ص ۱۹ دوشنبه ۲۰ فروردین ۱۳۶۳ قسمت دوم . (از نویسنده این مقاله)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی